

## رسیدگیهای جزائی

این روزها صحبت از این است که رسیدگیهای جزائی را یک مرحله ای کنند و در واقع از مرحله پژوهشی رسیدگی در امور جزائی صرفنظر نمایند و برای این منظور علل و فلسفه هائی ذکر میکنند که اگر در آن علل و موجبات دقت شود ملاحظه میگردد که ذکر هیچیک از علتهای مذکور قانع کننده بنظر نمی رسد و نقاط ضعف این دلائل بنحو بارز و آشکاری هویدا است. یکی از عللی که برای اتخاذ این تصمیم ذکر مینمایند سرعت در رسیدگی بامور جزائی است که نسبت باین عامل بخودی خود بحث خواهد شد.

علت دیگری که در این مورد اظهار میشود این است که بنا بر این که عده کمتری قاضی بامور جزائی رسیدگی میکنند نتیجتاً از بودجه ای که فعلاً صرف حقوق و مزایای این قضات میگردد میتوان صرفه جوئی کرد یا از این عده قضات در قسمتهای دیگر از سازمان دادگستری استفاده نمود.

علت دیگر اینکه میگویند با کم شدن تشریفات دادگستری هر مجرمی زودتر به مجازات خود میرسد و باین سبب اصل تنبیه جامعه از تنبیه مجرمین مراعات میگردد یا هر بیگناهی برائت حاصل میکند و در زیر چرخهای عدالت خود را خارج مینماید ولی با کمال تأسف باید گفت چنین تصوراتی که مبنی بر علل مذکور فوق باشد از بنیاد بی اساس و غلط است چون :

۱ - آنچه در امور قضائی اعم از جزائی و حقوقی (بخصوص در امور جزائی) نهایت درجه اهمیت را دارد دقت و صحت در حکم دادن است و اگر چنانچه عامل سرعت را نیز در رسیدگیهای جزائی منظور نظر قرار میدهند مقصود این نیست که رائی با سرعت صادر شود و از جنبه صحت آن صرفنظر گردد و آنچه که در واقع فرع و جزء تشریفات کار باید معرفی شود اصل و واقعیت را فدای خود کند البته سرعت خوب است ولی سرعتی که توأم بادقت باشد و از آن گذشته در امور قضائی بخصوص و همیشه اوقات بر روی صحت حکم تأکید و تأیید شده است و عامل سرعت که آنرا کیفیت مورد بحث میتوان مترادف با عجله دانست مذموم شناخته شده است ضرب المثل (در قضاوت عجله نکنید) جمله (العجله من الشیطان) و هزاران تمثیل و اندرزی که در زبان فارسی وجود دارد همگی متانت و دقت و تشخیص واقع را در امور قضائی تأیید و تأکید کرده اند.

۲ - در خصوص علت دوم نیز تذکر این مراتب نهایت لزوم را دارد که اگر بنا بشرح فوق با وضعی که فعلاً در دادگستری جریان دارد رسیدگیهای جزائی در دو مرحله و با نهایت دقت صورت میگیرد تعداد بسیاری از پرونده ها در دیوانعالی کشور بعلت نقص تشریفات یا عدم مراعات دقیق قوانین مورد نقض قرار میگیرد در آن موقع بطریق اولی این مورد اشتباه و نقض پرونده ها بیشتر و نقض پرونده ها بمراتب اضافه خواهد شد در این موقع

ناگزیر هستند که تعداد شعب امور جزائی را لااقل دو برابر بکنند تا رسیدگیهای لازم صورت بگیرد و بدین طریق هم عامل سرعت بخودی خود منتفی شده وهم تصور صرفه جوئی از این ممرکه دریافت کنندگان آن بحق شایسته ترین افراد هستند برباد خواهد رفت و گذشته ازاینکه از این قضات در قسمتهای دیگر دادگستری نمی توان استفاده کرد باید ب فکر کمبود قضات موجود برای رسیدگی بود.

۳- در مورد سوم و اعتقاد اینکه هر مجرمی زودتر به مجازات خود میرسد اولاً بنا بکیفیات معروضه فوق تصور اشتباهی است و بطریق اولی موضوع تنبیه مجرمین نیز بخودی خود در دنباله این تصور واهی باطل خواهد بود وانگهی با اینکه در حال حاضر رسیدگی بجرائم جنائی در یک مرحله صورت میگیرد مع الوصف دیده میشود که جرائمی از قبیل قتل و منایات عفت بعلن و عنف و جعل و قاچاق مواد مخدره روز بروز زیادتر میگردد و این یک مرحله ای بودن رسیدگیهای جزائی گذشته ازاینکه در این موارد تأثیر نکرده بلکه می بینیم که هر روزه صفحجات جرائم بر است از ذکر این قبیل جرائم.

بخوبی بیاد دارم که در دوره بیستم مجلس منحله شورایملى یکی از آقایان قضات که بسمت وکالت در این مجلس انتخاب شده بود طرحی بحکایت قابل استیناف بودن رسیدگیهای جنائی تسلیم کمیسیون دادگستری مجلس کرده بودند که بسبب اینکه مجلس مذکور منحل شد طرح مذکور نیز به بوته اجمال افتاد و در همانروزها ملاحظه میشد که غالب قضات محترم دادگستری از این طرح با خوش بینی صحبت میکردند چون بحکایت (کار را باید از کاردان پرسید) حضرات ناسبرده بهتر از مردم دیگر به عیوب فعلی این رسیدگی وارد بودند و بخوبی میدانستند که رسیدگیهای یک مرحله ای بجای اینکه موجب سرعت رسیدگی شوند اغلب بعلمت عدم رعایت صحیح تشریفات نقض شده و دوباره مورد رسیدگی واقع میشوند.

در خصوص تنبیه مجرمین باید گفت که ریشه بیشتر جرائم را بجای اینکه در دادگستری در بین مواد قانون جستجو کنند بهتر است در جامعه دنبال آنها بگردند امروزه از نظر جامعه شناسی ثابت شده است که اغلب جرائم در اثر فقر و تنگدستی و نداشتن وسائل مادی زندگی صورت میگیرد و اگر قوانین بخصوص قوانین جزائی در این موارد اثری داشته باشند اثر آنها فرعی است پیش و پس کردن مواد قانون و تغییر دادن آنها گذشته ازاینکه مشکلات رسیدگی را بیشتر کند فایده ای نخواهد داشت.

اکنون این مطلب مسلم را کلیه آقایان قضات و وکلاء محترم دادگستری میدانند که بیشتر زندانیان دادگستری کسانی هستند که بسبب صدور چک بیمحل زندانی هستند ولی آیا صدور چک بیمحل از تاریخ این سختگیری ها کمتر شده یا اینکه روز بروز رو بافزایش است و همین امر در مورد قاچاق مواد مخدره نیز واقعیت دارد.

آنچه که موجب پیدایش جرائم میشود همانطور که فوقاً عرض کردم عوامل مادی و اقتصادی است اگر در مورد همین صادرکنندگان چکهای بیمحل دقت شود و در حال یکایک زندانیان دقت گردد ملاحظه میشود که صدور این چکها غالباً برای انجام معاملاتی بوده است که صادرکننده چک امیدوار بوده که با فروش کالای خود یا جنسی که

در برابر صدور چک یا سفته خریده است تعهد خود را پرداخت خواهد نمود ولی با تغییر ناگهانی وضع بازار و پیدایش بحران اقتصادی قادر به پرداخت تعهدات خود اعم از چک یا سفته نشده‌اند و بالنتیجه با اینکه حسن نیت نیز داشته‌اند تحت تعقیب قانونی قرار گرفته‌اند هر چند در مورد صدور چک این مطلب باید رعایت شود که از چک استفاده سفته نشده و چک بتاریخ صادر نکنند ولی این امر در واقع بین تجار و کسبه مرسوم شده است و غالب بستانکاران نیز چون ضمانت اجرای چک را قوی تر از سفته می‌دانند بجای سفته در برابر طلب خود چک قبول می‌کنند ولی عدم رعایت این مطلب بهمان شرحی که فوقاً عرض شد مفهوم سوء نیت بمعنای واقعی خود را ندارد.

جرایم منافی عفت و هتک ناموس بعنف یا نظایر آن اغلب در اثر ارضاء نشدن غرایز طبیعی از طرق صحیح قانونی بعلت فقر مادی است گو اینکه مواردی دیده میشود که مطالب عکس این است ولی غالباً بشرحی است که عرض نمودم.

من هرگز نمیخواهم یکباره خاطیان و مجرمینی که اساس امنیت اجتماع زامتزلزل میکنند تبرئه نمایم ولی هر فرد مطعمی بخوبی میداند که بزرگترین عامل در جنایات و جنحه‌ها اجتماع هستند و بدون اصلاح اجتماع بخصوص از نظر مادی و اقتصادی هیچ تصمیمی از این قبیل موجب پیدایش آرامش و کم شدن جرائم نخواهد گردید. شاید اتخاذ تصمیمات اقتصادی و تدوین قوانین مالی که در واقع بنفع جامعه باشد هزاران بار مؤثر تر از تغییر و تبدیل قوانین جزائی و یک مرحله یا چند مرحله کردن رسیدگیهای جزائی است.

در کلیه ممالک مترقی دنیا اصل دو مرحله‌ای بودن هرگونه دادرسی اعم از جزائی و حقوقی بعنوان یک اصل مسلم شناخته شده است و هیچگونه تأثیری هم در ازدیاد جرائم نکرده است چون در جهان مترقی کنونی بجای زیر و بالا کردن قوانین اصول عملی کار را مورد توجه قرار میدهند.

این بود آنچه که بنظر نگارنده در این مورد رسید و گمان نمی‌کنم هیچ شخص وارد بامور قضائی منکر صحت عرائض اینجانب باشد و مسلم است که دادرسان محترم دادگاهها و همکاران ارجمند اینجانب که همگی اطلاعات و معلوماتشان در این زمینه بمراتب بیشتر از بنده است دلائل موجه دیگری در این زمینه در نظر دارند.